

سوپرایگو



سوپرایگو سومین جزء توسعه یافته در ساختار شخصیت روانی انسانها است. سوپرایگو وجه ای از ساختار شخصیت روانی می باشد که تمام قواعد به همراه استانداردهای اخلاقی و آرمانی که از والدین ، محیط ، فرهنگ و آموزش به دست آورده ایم را در بر گرفته است. در واقع احساس ما نسبت به درست و غلط از این قسمت ناشی می شود.

سوپرایگو

سوپرایگو در ساختار شخصیت روانی دستورالعملهایی برای قضاوت فراهم می‌کند. طبق نظریه ی فروید : سوپرایگو در سن پنج سالگی در افراد ایجاد می‌شود.



سوپرایگو

سوپر ایگو و تعامل آن با اید و ایگو

با دقت بر ساختار شخصیت روانی انسان می‌توان نتیجه گرفت در فرآیند درک خودآگاه تضادهایی با جنبه‌های متمایز بین این عناصر درونی وجود دارد و بطور بالینی مشاهده و تصور کرد که درگیری‌هایی بین آنها به وجود می‌آیند.

سوپر ایگو نیست که در این حالت کاری می‌کند، در این شرایط فروید از اصطلاح قدرت ایگو استفاده می‌کند، که به قابلیت منحصر به ایگو فارغ از نیروهای دیگر اشاره و تاکید دارد.

فردی که توان و عملکرد ایگوی کافی و متناسبی دارد معمولاً می‌تواند فشارهای ناشی از دو نیروی دیگر را مدیریت کند و از طرفی توان کم یا قابلیت ضعیف دفاعی ایگو به طور محسوسی می‌تواند باعث اختلال عملکرد، در ساختار شخصیت روانی شود.

سوپر ایگو را در کتاب زیر می‌توان بیشتر مطالعه و درک کرد.

معرفی کتاب سوپر ایگو اثر پریسیلا روث

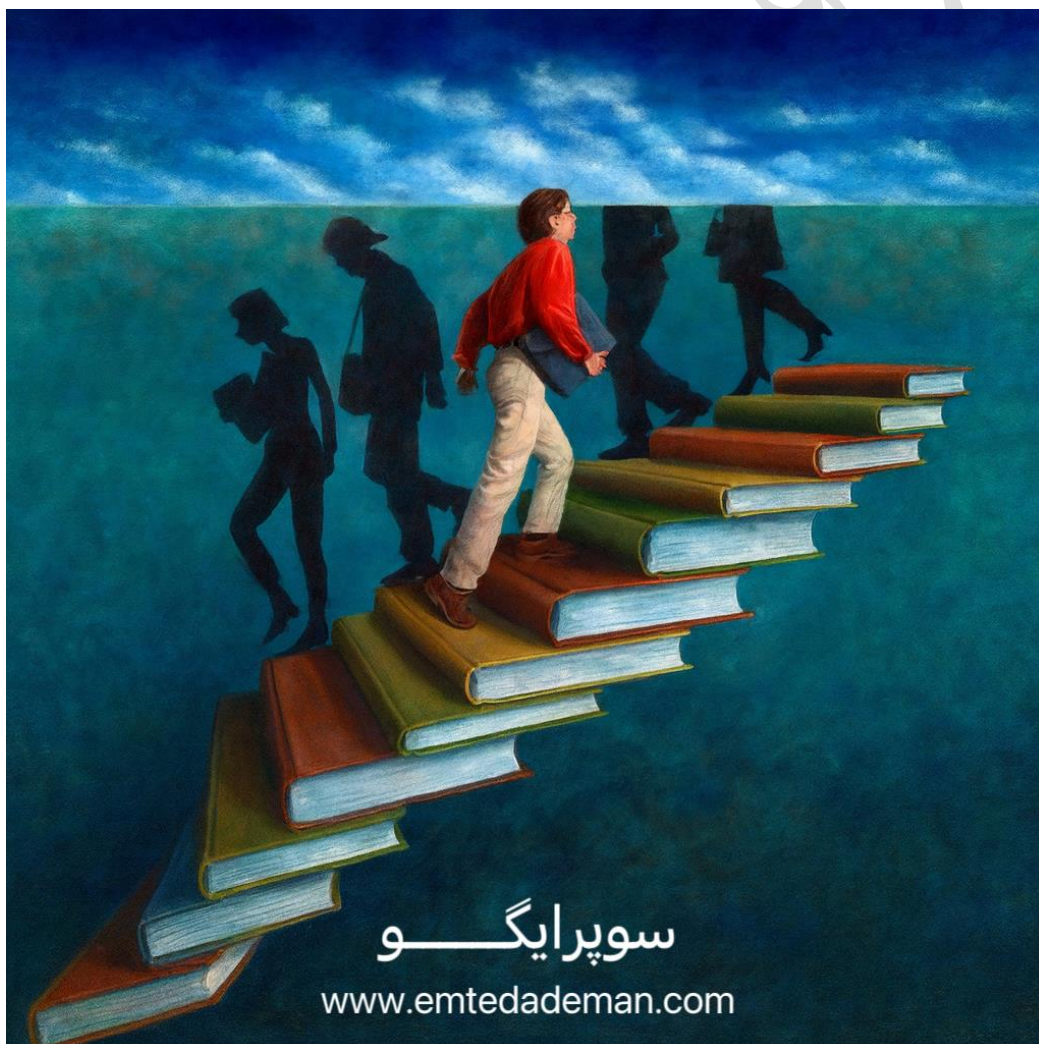
همه قوانین را زیر پا می‌گذارند اما صدای ناسازگار درون سر ما چیست که ما را به خاطر آن مورد انتقاد و نکوهش قرار می‌دهد؟ در روانکاوی به این صدا سوپرایگو گفته می‌شود که فروید آن را درونی شدن کودکانه‌ی اقتدار والدین و مظهر پیچیده ادیپوس تصعید شده تصور می‌کرد.

این کتاب “سوپرایگو به بررسی اهمیت فراخود در انتقال استانداردهای اخلاقی و کدهای رفتاری از نسلی به نسل دیگر می‌پردازد، اما در عین حال

سوپرایگو

بررسی می‌کند که فراخود چگونه می‌تواند منجر به ناراحتی‌های روحی شود که بسیاری از مردم از آن رنج می‌برند.

پریسیلا روث به نمونه‌هایی از روش‌های متعددی که ابرخود ما می‌تواند خود را در رویدادهای آشنای روزمره نشان دهد، نگاه می‌کند و نشان می‌دهد که چگونه احساسات و رفتار ما تحت تأثیر آن قرار می‌گیرد حتی زمانی که از حضور آن آگاه نیستیم. او با استفاده از مطالب موردی از روانکاوی و روان درمانی، نشان می‌دهد که چه نوع تجربیاتی ممکن است در پشت تأثیرات پنهان، اما بسیار قدرتمند نهفته باشد.



سوپرایگو

سوپرایگو و بخش‌های آن

سوپر ایگو را میتوان به دو جزء تقسیم کرد: ایگو آرمانی و وجدان.

ایده آل ایگو

ایده آل ایگو فرمتی ویژه از سوپرایگو است که ساختارش قوانین و معیارها و رفتار "عالی و کمال" محور است. این رفتارها شامل مجموعه ای از واکنش‌ها و رفتارهایی می‌شود، که مورد تایید و تاکید والدین و دیگر شخصیت‌های مراقب و مرجع می‌باشد. رعایت و دقت در انجام این قوانین منجر به احساس غرور، ارزش و موفقیت می‌شود و از طرفی زیر پا گذاشتن این قوانین منجر به "احساس گناه" خواهد شد.

ایده آل خود در نزد هر شخصیت، اغلب به عنوان تصویری در نظر گرفته می‌شود که ما از خود ایده آل خود داریم. افرادی که میل داریم به آن تبدیل شویم، برای این تصویر از فرد ایده آل است که غالباً از افرادی که می‌شناسیم الگوبرداری می‌شود و به عنوان معیاری در نظرمی‌گیریم که می‌خواهیم باشیم.

وجدان

سوپر ایگو در بخش وجدان ساختاری از قواعد دارد، که برخی از رفتارها برای آن بد تلقی می‌شود. اما هنگامیکه درگیر کارهایی می‌شویم که با آرمان ایگو مطابقت دارد نسبت به خود احساس خوبی داریم یا به دستاوردهای خود افتخار می‌کنیم.

سوپرایگو

هنگامیکه کاری کنیم با اصول یا فرهنگ و برداشت ما از درست و غلط همخوانی نداشته باشد، بطوریکه وجدان ما آن را بد تلقی کند احساس گناه می کنیم.

سوپر ایگو در نظریه رشد روانی جنسی فروید، انتهای ترین ساختار شخصیت است که رشد خواهد کرد. اید بخش اصلی و اولیه شخصیت است، که از بدو تولد وجود دارد. من یا ایگو در طول سه (۳) سال اول زندگی کودک شروع به رشد می کند. سرانجام سوپر ایگو در حدود پنج سالگی (۵) شروع به ظهور می کند.

اهداف سوپرایگو

سوپرایگو در ساختار اولیه سرکوب گر کامل هر گونه تمایل یا خواسته (اید) است که خطا یا از نظر اجتماعی و عمومی غیرقابل قبول تلقی می شود. در عمل به شدت سعی دارد، خود را مجبور کند که اخلاقی عمل کند تا واقع بینانه. در نهایت سوپرایگو بدون در نظر گرفتن واقعیت برای کمال اخلاقی تلاش می کند.

سوپرایگو نیز در هر سه سطح (خودآگاهی ، نیمه خودآگاهی و ناخودآگاهی) وجود دارد. به همین دلیل گاهی اوقات می توانیم احساس گناه کنیم بدون اینکه دقیقاً بفهمیم چرا چنین احساسی داریم . وقتی سوپرایگو در ضمیر خودآگاه عمل می کند، ما از احساسات حاصله خود آگاه هستیم . با این حال اگر سوپرایگو به طور ناخودآگاه برای تنبیه یا سرکوب (اید) اقدام کند، ممکن است در نهایت با احساس گناه مواجه شویم و درک واقعی از چرایی این احساس گناه نداریم.